

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱۳

فصل نامه علمی - پژوهشی عصر آدینه

سال دهم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۹۶

بررسی و نقد نظریه دوایت. م دونالدسن در تبیین اصالت مهدویت

سیدرضی موسوی گیلانی^۱

مسلم کامیاب^۲

چکیده

بررسی افکار مستشرقان در مسئله مهدویت پژوهی با توجه به انعکاس آن در میان غربیان از اهمیت خاصی برخوردار است. دوایت. م دونالدسن از جمله مستشرقین دوران معاصر است که با تالیف کتاب مذهب شیعه به شهرت رسید. وی در بخش مهدویت کتاب خود پاره‌ای از نادآوری‌ها نموده است. تردید در اصل مسئله مهدویت از جمله آنهاست.

پژوهش پیش رو ضمن تبیین اندیشه مهدویت از جانب وی، با روش توصیفی - تحلیلی به دفاع از اندیشه مهدویت پرداخته است. انتخاب روش تاریخی‌نگری و انتخاب منابع نسبتاً غیرمعتبر از ضعف‌های روشی پژوهش وی به حساب می‌آید.

عدم درک صحیح وی از معارف اسلام و آشنایی ضعیف وی از شیوه تبیین معارف قرآن، عدم آشنایی با نحوه جمع‌آوری منابع مکتوب حدیثی شیعی، استناد به کلام ابن خلدون به عنوان نماینده مسلمانان و تأثیر آری وی از جمله نقدهای محتوایی پژوهش وی به حساب می‌آید.

واژگان کلیدی

مهدویت، دونالدسن، اصالت مهدویت، تاریخی‌نگری، ابن خلدون، کیسانیه.

۱. دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

۲. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا (نویسنده مسئول) (moslemkamyab61@gmail.com).

مهدویت پژوهی در غرب از دیرباز چندان مورد عنایت شرق شناسان نبوده است. به طوری که مطالعات آنان در این زمینه بسیار اندک است. با پیدایش دولت صفویه - که تشیع را به عنوان مذهب رسمی ایران اعلام کرد - تعالیم تشیع امامی به طور گسترده در معرض دید جهانیان قرار گرفت. از جمله این تعالیم، مهدویت شیعی است. در این دوره تاریخی به سبب این که دشمن اصلی غرب، امپراتوری سنی مذهب عثمانی بود و به نوعی صفویان و ایرانیان شیعی، دوست آنان به شمار می رفتند و هم به سبب این که اولین بار بود غربی ها با تعالیم شیعی به شکل گسترده آشنایی می یافتند، توصیف آنان از تعالیم شیعی و از جمله درباره مهدی و اعتقاد مهدویت تنها به صورت گزارش های سفرنامه ای بود که بیشتر از طریق رفتار و گفتار عوام جامعه ایران و نه دانشمندان و علمای معتبر شیعی، و بدون قضاوت خاص و بدون نگاه بی انصافانه و هدفمند مستشرقان، بیان می شد؛ هرچند این گزارش ها به سبب نامعتبر بودن منابع اطلاعاتی یا ضعف فهم و درک سفرنامه نویس از آموزه های تشیع، دارای اشتباهاتی بود. از جمله گزارش هایی که در سفرنامه های اروپائیان به ایران درباره مهدویت آمده، می توان به گزارش های اولیاریوس^۱ (۱۶۰۳-۱۶۷۱ م)، شاردن^۲ (۱۶۴۳-۱۷۱۳) کمپفر^۳ (۱۶۶۵-۱۷۱۶ م)، اشاره کرد (علی اکبر جعفری و عبدالعلی ترابی، ۱۳۹۲: ۷-۸).

پس از صفویه در دوران قاجار (حک: ۱۷۸۹-۱۹۲۵)، جیمز دامستر (۱۸۹۴-۱۸۴۹) اولین مستشرقی است که درباره مهدویت کتاب مستقل با نام *مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم* نوشته است^۴ سپس فان فلوتن (۱۹۰۳-۱۸۶۶) در کتاب *عرب سالاری و تاریخ شیعه*؛ ایگناس گلدتسهیر (۱۹۲۱-۱۸۵۰) در کتاب *العقیده والشریعه فی الاسلام*؛ دیوید ساموئل مارگولیو (۱۹۴۰-۱۸۵۸) مقاله «مهدی» در *دائرة المعارف دین و اخلاق* به طرح مسئله مهدویت پرداخته اند.

1 Adam Olearius

2 Jean Chardin

3 Engelbert Kaempfer

۴. انگیزه اصلی شکل گیری این کتاب را باید وقایع سال ۱۸۸۵ میلادی دنبال نمود، زمانی که در سودان محمد احمد سودانی (۱۸۳۴-۱۸۸۵) ادعای مهدویت نمود و این ادعا به بسیاری از کشورهای اروپایی رسید، این امر موجب شد تا اصل موضوع مهدویت و ادعای سودانی مورد پرسش قرار گیرد و از دارمستتر استاد دانشگاه سوربن درخواست سخنرانی در این زمینه گردید که سرانجام این سخنرانی ها منشأ نوشته شدن کتاب مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم گردید.

اغلب نوشته‌های مستشرقان درباره مهدویت جانب‌دارانه و دارای تحلیل‌های غیرمنصفانه است. پژوهش‌های مربوط به امام مهدی علیه السلام عموماً از اتهامات و هجمه‌های نویسندگان غربی نسبت به امام در امان نمانده است. از آن جا که خاورشناسان اغلب با قلمرو حوزه اهل سنت برخورد داشته‌اند از این رو، برای آنان میسر نشده که به شناخت همه جانبه و صحیحی از آراء و عقاید مهدویت شیعه نائل شوند. توجه ویژه مستشرقین پیش‌گفته به تحلیل ابن خلدون (م ۸۰۸) در بحث اصالت مهدویت نمونه‌ای از این داوری‌ها است.^۱

دوایت. م. دونالدسن^۲ (۱۸۸۴-۱۹۷۶م) مانند دیگر مستشرقین به مسئله مهدویت اشاره دارد. وی در فصل بیست و یکم کتاب مذهب شیعه که متعلق به امام منتظر است به بررسی مسئله مهدویت پرداخته است. آن چه که در پژوهش وی نمایان است بررسی اصل مسئله مهدویت است زیرا وی در سه محور به بحث اصل مهدویت پرداخته است: ۱. با استناد به برخی آیات معتقد است که آیات قرآن توسط روایات بر مسئله مهدویت دلالت و تأیید می‌شوند و در قرآن مسئله مهدویت وجود ندارد؛ ۲. روایات مهدویت را براساس تفکر ابن خلدون ساختگی می‌داند و معتقد است در قرون بعدی به وجود آمده است؛ ۳. اصل پیدایش مهدویت براساس تفکر کیسانیه و ناعدالتی‌های دوران بنی‌امیه بوده است.

از این رو در این نوشتار که با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته است در صدد پاسخگویی به شبهات وی است. به این سه شبهه پاسخ داده خواهد شد و به این نکته رهنمون خواهیم شد. بررسی و نقد دیگر مباحث وی مجال دیگری می‌طلبد که در پژوهش‌های دیگر بدان باید پرداخت.

پیشینه‌شناسی

درباره نقد اثر «عقیده الشیعه» با دواثر روبرو هستیم اولین اثر از حسن حسین زاده شانه چی است که مقاله‌ای با عنوان «معرفی و بررسی اجمالی کتاب عقاید الشیعه» در

۱. البته تک‌نگاری‌هایی مانند کتاب نخستین اندیشه‌های شیعی تألیف ارزینا لالانی مستثنا هستند این اثر زندگی، اندیشه‌ها و تعالیم امام باقر علیه السلام در حوزه‌های گوناگون کلام، امامت و فقه تبیین کرده است. (نعمت‌الله صفری فروشانی و معصومه اخلاقی، ۱۳۹۱: ۲۸)

2 Dwight Donaldson.

شماره ۱۸ فصل نامه شیعه شناسی (شانه چی، ۱۳۸۶:). به چاپ رسانده است. وی ضمن معرفی کتاب عقاید الشیعه و بررسی منابع آن به طور ویژه به بررسی محتوایی کتاب شامل عقاید شیعه، شخصیت امامان، تاریخ تشیع، عالمان و نویسندگان شیعی و اشتباهات تاریخی دونالدسن اشاره دارد و آراء وی را به نقد کشانده است. اما به طور اختصاصی درباره زندگی امام حسن مجتبی علیه السلام مقاله ای با عنوان نقد و بررسی زندگی امام حسن علیه السلام از دیدگاه دونالدسن توسط نعمت الله صفری فروشانی و معصومه اخلاقی در شماره ۳۹ مجله طلوع مهر منتشر شده است (صفری فروشانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۲۷-۵۶). نویسندگان آراء دونالدسن درباره زندگانی امام حسن علیه السلام را در قالب نقدهای کلی و جزئی مورد نقد و واکاوی قرار داده اند. درباره بخش مهدویت کتاب مذهب شیعه اثر ویژه ای یافت نشد و شاید بتوان گفت نوشتار حاضر جزء اولین آثار درباره کتاب مذهب شیعه دونالدسن است.

زندگی نامه

دوایت م. دونالدسن^۱ (۱۸۸۴-۱۹۷۶م) نویسنده معروف کتاب مذهب شیعه^۲ است. اهل آمریکا و فارغ التحصیل کالج واشنگتن است. دونالدسن بیست و شش سال در ایران و مشهد (۱۹۱۴-۱۹۴۰) به عنوان مبلغ کلیسای مشایخی سکونت داشته است و همراه همسرش به برخی از سرزمین های اسلامی سفر کرده است.^۳ آثار وی بیشتر شیعه پژوهانه است؛ مذهب شیعه یا تاریخ اسلام در ایران و عراق (لندن ۱۹۳۰م)، محمد و غزالی (۱۹۱۸)، سلمان فارسی (۱۹۲۹م)، اندیشه امامت نزد شیعه (۱۹۲۱ و ۱۹۳۱)، قانون جدید ایران (۱۹۳۴م)، ازدواج عرفی در اسلام (۱۹۳۶م)، الکامل (۱۹۳۸) از جمله آثار و مقالات وی است (احمدوند، ۱۳۹۵: ج ۱، ۵۴-۵۵).

کتاب مذهب شیعه که در این نوشته مورد بحث است مهم ترین اثر دونالدسن است. این کتاب که اخیراً به فارسی ترجمه شده است شامل یک دوره فرهنگ، تاریخ سیاسی، کتاب شناسی، عالمان شیعه، فرقه انحرافی، مباحث عمده کلامی است. با بررسی های به عمل آمده این کتاب قابل نقدهای فراوانی است. کتاب با رویکردی سنی مابانه، روایی

1 Dwight Donaldson.

2 The Shiite Religion

۳. ر. ک: دائرة المعارف جهان اسلام، مدخل دونالدسن.

و گاهی اندکی تحلیلی سعی در تحقیق کاری علمی داشته است که در این بین پاره‌ای داوری‌های ناروا کرده است خصوصاً درباره امام دوم و سوم شیعیان بسیار به خطا رفته است و به نوعی مملو از داده‌ها و تحلیل‌های اشتباه است.

کتاب در ۳۳ فصل تدوین شده است. فصل نخست به موضوع خلافت از دیدگاه شیعه اختصاص یافته است و در این فصل به وقایعی از زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در آن به مسئله خلافت امام علی علیه السلام تصریح گردیده است مانند واقعه غدیر خم اشاره شده است. فصل دوم درباره خلافت خلفاء پرداخته شده است. فصل‌های سوم تا ۲۳ به زندگانی امامان شیعه تعلق گرفته است و در هر فصل به شرح شخصیت و زندگانی ائمه علیهم السلام می‌پردازد. فصل سوم و چهارم به امام علی علیه السلام اختصاص دارد.

وی در هر فصل ضمن اشاره به مشخصات فردی هر امام به وقایع مهم سیاسی و اجتماعی زمان آن امام مانند خلفای معاصر، قیام‌ها و مدعیان امامت پرداخته است. در بین فصل‌های خود فصولی نیز به معرفی شهرهای نجف، کربلا، مدینه، کاظمین، مشهد و سامرا که مدفن ائمه علیهم السلام هستند اشاره می‌کند. وی در این بخش به توصیف مدفن و مزار ائمه علیهم السلام و حوادث تاریخی و توصیف مختصری از جغرافیای تاریخی این شهرها و مطالبی درباره فضیلت زیارت هر امام به نقل از منابع شیعی، کیفیت زیارت آن امام و برخی ادعیه پرداخته است. سپس به دو فصل از مکان زیارت امامزادگان حضرت معصومه علیها السلام و عبدالعظیم حسنی علیه السلام اختصاص داده است. مشاهدات عینی وی از شهرهای مذهبی از ویژگی‌های کار وی است گرچه در برخی موارد گزارش‌های ناصواب و مغرضانه ارائه نموده است.

فصل بیست و یکم کتاب وی متعلق به امام منتظر علیه السلام است. بررسی اصل مسئله مهدویت در فریقین، مهدویت در شیعه، تولد حضرت، مسئله غیبت امام و مکان آن، رجعت، دجال، از جمله مطالب این فصل می‌باشد.

همان‌طور که ذکر شد نوشتار پیش رو به بررسی و نقد اصل مسئله مهدی در اندیشه دونالدسن می‌پردازد و بررسی دیگر مباحث وی مجال دیگری می‌طلبد که در پژوهش‌های جداگانه بدان باید پرداخت.

اصالت مهدویت

دونالدسن در فصل بیست و یکم کتاب خود در ابتدا به بیان اصل مهدویت آن هم از

منظر اهل سنت اشاره دارد. وی کلمه مهدی را به صورت اسم مفعول، به معنای هدایت شده می داند زیرا خداوند او را هدایت کرده است و او شایستگی هدایت دیگران را دارد. از نگاه قرآنی مهدی به معنای شخص هدایت شده وجود ندارد بلکه معنای اسم فاعلی آن از آیه ۵۴ سوره حج^۱ و ۳۱ سوره فرقان^۲ به دست می آید و بعدها از این آیات برای تائید ظهور حضرت مهدی علیه السلام برپایه احادیث استفاده شده است. (دونالدسن، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۵)

وی معتقد است قرآن هرگز امید به آمدن مهدی منتظر را تائید نمی کند و تنها احادیث این موضوع را تائید می کنند احادیثی که از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار نیستند و بر ساخته مسلمانان بعدی است. (همو: ۶۶-۶۷) سپس وی در ادامه به بیان تفسیر شیعی از مهدویت می پردازد و به شیعیان نسبت می دهد که مسئله مهدویت در قرآن به صراحت وجود ندارد و از مهدی سخنی در آن وجود ندارد و آنان برای جبران این کمبود به احادیث متمسک شده اند. (همو: ۶۸-۶۹) به عنوان نمونه آیات مرتبط با قیامت^۳ را به قیام امام مهدی علیه السلام تفسیر نموده اند. به نظر می رسد دونالدسن در تردید و شک احادیث مهدویت متأثر از افکار ابن خلدون است زیرا بن مایه استناد او در این بحث کلام ابن خلدون است (همو: ۶۷).

دونالدسن با توجه به این که با واقعیتی به نام مهدویت در جامعه روبروست با نگاه تاریخی نگری به بحث مهدویت می پردازد. از این رو برای پیدایش و ترویج آن به دنبال دلایل اجتماعی و تاریخی است. وی گسترش تفکر مهدوی را از زمان پیشرفت بنی امیه (۴۱-۱۳۲ق) و ناکامی تأسف بار دنیای اسلام در رسیدن به عدالت و مساوات در طول آن دوران می داند و معتقد است در آغاز سال ۶۶ پس از شهادت امام حسین علیه السلام همراه با جنگ و آشوب های داخلی، اصطلاح مهدی برای محمد بن حنفیه به کار رفت و پیروان وی او را مهدی نامیدند و در کوه رضوی منتظر او هستند و از آن زمان به بعد فرهنگ مهدویت شکل گرفت و برپایه آن احادیثی ساخته شد (همو: ۶۷).

از این رو با توجه به برداشت وی در قالب نقد روشی و محتوایی به اصالت مسئله

۱. «وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (حج: ۵۴).

۲. «وَكَفَىٰ بَرِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا» (فرقان: ۳۱).

۳. «أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ» (رعد: ۳۳).

مهدویت خواهیم پرداخت.

۱. نقد روشی

یکی از انتقادات همیشگی به مستشرقین انتخاب روش‌هایی خاص و جانبدارانه آنان در پژوهش‌های خود است. طبیعتاً دونالدسن هم یکی از کسانی است که روش انتخابی وی در کتاب *مذهب شیعه* دارای نقایص فراوان و با مبانی شیعه ناسازگار است. در این جا به دو نقد روشی اشاره می‌شود:

۱. بعضی از اسلام‌شناسان غربی در نگاه به اسلام و تمدن اسلامی، شیوه تاریخی‌نگری را انتخاب نموده‌اند و کوشیده‌اند تا اسلام را به عنوان پدیده‌ای که در زمان و مکان خاص و در برهه‌ای از تاریخ رخ داده است، تحلیل کنند. در این شیوه پژوهش، تلقی محقق این است که یک پدیده تحت تأثیر زمینه‌های خاص یک دوران، عناصر و عوامل پیشین خود به وجود آمده و هویت یافته است به گونه‌ای که بستر تاریخی تعیین‌کننده هویت یک رخداد تاریخی قلمداد می‌گردد. در برابر آن شیوه پدیدارشناسانه به بررسی ماهیت یک پدیده به صورت شبکه‌ای و فرازمانی و فرامکانی می‌نگرد به طوری که در این شیوه پژوهش بیش از آن که به عوامل تحقق تاریخی و شرایط ایجاد آن نگریده شود به عناصر و مؤلفه‌های درونی آن نگریده و به آن پدیده نگاهی توصیفی و ارگانیک می‌شود و کوشش می‌گردد تا ماهیت آن مورد بررسی قرار گیرد. بدین جهت در این روش تحقیق، اهمیتی که به بیان و تفسیر مکانیسم و ساختار پدیده داده می‌شود به ریشه‌های تاریخی، صدق و کذب آن توجه ندارد و برخلاف روش تاریخی‌نگری در این شیوه نه علت و نه دلیل هیچ یک مطرح نیست (موسوی گیلانی، ۱۳۹۱: ۵۰).

دونالدسن هم چون دیگر خاورشناسان با روش تاریخی‌نگری^۱ به آموزه مهدویت توجه کرده است. وی همه مسائل را از روزنه یک برهه تاریخی صدر اسلام و جریان کیسانیه می‌بیند. به جای آن که به توصیف این مؤلفه دینی از دیدگاه کلامی و آراء موجود در متون دینی با تکیه بر سخن مسلمانان بپردازد، از زاویه تاریخی، به آن نظر دارد. از این رو به اهمیت و جایگاه مسئله مهدویت در اسلام توجه نمی‌کند و توجه ندارد که اعتقاد به مهدویت ریشه در افکار و اعتقادات اسلامی دارد.

مسئله مهدویت جدای از جریان‌های تاریخی و مدعیان مهدویت، قابل بررسی است و وجود جریان‌های انحرافی هم چون مدعیان دروغین هیچ لطمه‌ای به اصل مسئله مهدویت و پذیرش اعتقادی آن وارد نمی‌سازد حتی با قرائن و شواهد تاریخی که در ادامه خواهد آمد، می‌توان اثبات کرد مسئله مهدویت قبل از جریان کیسانیه وجود داشته است.

۲. دونالدسن سعی کرده است در کتاب خود از منابع شیعی استفاده کند. لذا در مباحث روایی و عقیدتی شیعه از *کمال‌الدین صدوق* به طور فراوان استفاده کرده است. هم‌چنین از کتاب *الغیبه* شیخ طوسی به مقدار محدود آن هم در بحث نواب اربعه بهره برده است. آن چه در نقل از *کمال‌الدین* قابل توجه است انتخاب گزینشی روایات تولد حضرت مانند مراقبت پرندگان از حضرت و رشد عجیب امام، که به نوعی با رویکرد اسطوره‌شناسی و غالیانه مواجه است.

وی در مباحث دیگر مهدویت به آثاری مانند *حیات القلوب*، *حق‌الیقین*، *تحفة الزائرین* علامه مجلسی، *جنات الخلود* خاتون‌آبادی^۱ و *نورالانوار*^۲ بروجردی استناد جسته است. با وجود کتاب‌های معتبر مانند کتاب *الکافی*، *الغیبه* نعمانی، *الغیبه* طوسی انتخاب دو اثر اخیر جای تأمل دارد.

از کاستی‌های دیگر او در انتخاب منابع استفاده از منابع اهل سنت در بخش شیعی است. به عنوان نمونه در بحث دجال از *مسند احمد* و *صحیح بخاری* استفاده نموده است (دونالدسن، ۱۳۹۵: ج ۲، ۸۰-۸۲).

آن چه در بحث اصالت مهدویت مهم جلومی‌کند استفاده وی از نوشته‌های

۱. جنات الخلود تألیف محمدرضا بن محمد مؤمن خاتون‌آبادی (۱۱۲۸) بر شرح اسمای حسنی، تاریخ و اخلاق انبیاء و خلفاء و سلاطین، جغرافیای برخی از مناطق آداب سفر، سعد و نحس روزها مشتمل است. این کتاب ۳۲ فصل که در مجموع ۶۰ صفحه را تشکیل می‌دهد که به سلطان حسین صفوی (حک: ۱۱۱۵-۱۱۳۵) تقدیم شده است. نگارش کتاب در قالب تقطیعات و جداولی است که طبق گفته مؤلف، برای آسانی موضوعات سامان یافته است.

۲. نورالانوار تألیف علی اصغر بروجردی (۱۲۳۱-۱۳۰۰) است کتاب را بریک مقدمه، شانزده فصل با عنوان «انوار مضینه» و خاتمه مرتب کرده است. در این کتاب پس از ذکر عنوان مقدمه انوار کتاب را به نام و کنیه حضرت، مادر آن بزرگوار، شمه معجزات ایشان، غیبت امام عصر علیه السلام، اعتقاد اقوام مختلف در مورد مهدویت، اصحاب امام زمان علیه السلام، حاکمیت اسلام در عصر ظهور، مکان زندگی ایشان، رجعت و... اختصاص داده است. برخی از معاصرین معتقدند در این کتاب نکاتی قابل استفاده، وجود دارد اما ضعف‌هایی مانند عدم بهره‌گیری از مطالب مستند، استفاده از اقوال شاذ و عدم تحلیل مناسب در اعتبار برخی روایات داراست. لذا در نقل از این کتاب باید نهایت دقت را اعمال کرد و به مصادر اولیه مراجعه کرد. (ر. ک: مقاله بررسی کتاب «نورالانوار» علی اصغر بروجردی در حوزه مهدویت با تأکید بر نشانه‌های ظهور، محمد شهبازیان و نعمت‌الله صفری فروشانی انتظار موعود، شماره ۴۴)

مستشرقین قبل از خودمانند مک دونالد، ونسینگ و دائرةالمعارف اسلام است. در اعتبارسنجی این منابع از منظر شیعه تردید جدی وجود دارد که خود نیاز به پژوهش مستقل دارد.

در یک پژوهش علمی و روشمند جهت قضاوت منصفانه ضمن اعتبارسنجی مصدر مورد استفاده، باید تمامی روایات مورد استناد مورد اعتبارسنجی قرار گیرد. انتخاب گزینشی منابع و روایات و هم چنین بهره بردن از سخنان دیگران بدون راستی آزمایی مستقل از بزرگ ترین ضعف اثر دونالدسن در کتاب *مذهب شیعه* است. بدیهی است به دنبال آن نتایج به دست آمده هم غیرمطلوب و دارای کاستی است و نمی تواند عقیده یک مذهب را اثبات کند.

۲. نقد و بررسی محتوایی

در بررسی اصالت مهدویت با رویکرد محتوایی به اثر مذهب شیعه، دونالدسن با تکیه بر قرآن، حدیث، استناد کلام ابن خلدون و واقعه کیسانیه به تضعیف این آموزه پرداخته است. بنابراین برای بررسی تبیین اصل مسئله، از چهار منظر کلام وی مورد بررسی و نقد قرار می گیرد:

جایگاه قرآن در تبیین معارف مهدویت

دونالدسن با استناد به برخی آیات معتقد است قرآن توسط روایات بر مسئله مهدویت دلالت و تأیید می شود و در قرآن مسئله مهدویت وجود ندارد (دونالدسن، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۶-۶۷). همچنین اسم مهدی در قرآن به صراحت ذکر نشده است (همو) در مجموع دیدگاه وی ناظر به این است که از اساس مسئله مهدویت در قرآن جایگاهی ندارد. در قالب چند نکته به شبهه وی پاسخ داده می شود:

۱. با درنگ در آیات وحی و نیز بررسی احادیث فریقین درباره سطح معارف آیات پیرامون موضوع مهدویت، می توان معارف مهدوی را به دو دسته کلی تقسیم نمود:
الف) مهدویت در سطح ظواهر یا همان سطح تنزیلی قرآن که اگر کسی مفهوم عربی کلام خدا و یا در رتبه عمیق تر، مقدمات تفسیر را بر اساس شیوه محاوره عقلانی بداند می تواند مراد خداوند را در این سطح دریابد. معارف مهدویت در این سطح اندک است. با تأملی در آیات قرآن آیه ۵۵ سوره مبارکه نور و آیات ۳۲-۳۳ سوره توبه را می توان در این

سطح دانست. زیرا براساس ادله، انحصار تحقق وعده استخلاف (۵۵ وعد) و اظهار دین (۳۳ توبه) که بر دو پایه درون متن (آیات) و برون متن (احادیث و قرائن دیگر) استوار است، به عصر ظهور قابل انطباق است.^۱

ب) مهدویت در سطح بطونی آیات: قرآن کریم از یک سوء کتاب هدایت انسان هاست و به زبان آنان سخن گفته و از سوی دیگر بیان کننده همه معارفی است که در سعادت انسان مؤثر است و چون بیان همه این معارف در قالب الفاظ محدود قرآن میسر نیست بخشی مهم از آنها در قالب معانی باطنی بیان شده است.^۲

قرآن پژوهان برای اثبات وجود بطون قرآن به ادله قرآنی و روایی تمسک جسته اند که در جای خود مورد بررسی قرار گرفته است.^۳ (نजारزادگان، ۱۳۸۷: ۲۲۰-۲۵۰). برای نمونه، از این آیه شریفه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (ملک: ۳۰) با توجه به کلام امام کاظم علیه السلام که می فرماید «إِذَا غَاب عَنْكُمْ إِمَامُكُمْ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ جَدِيدٍ» به امام غائب تاویل شده است.

براین اساس وجود سطوح متفاوت اعم از تفسیری و تاویلی در قرآن کریم امری پذیرفته شده در میان مسلمانان است بنابراین دونالدسن در این زمینه اطلاعات کافی نداشته است و با اقتباس از خاورشناسان قبل از خود، معتقد است قرآن در زمینه مهدویت سخنی ندارد. نوع برداشت مسلمانان خصوصاً آیات تاویلی را که با روایات عجین شده است بر ساخته مسلمانان دانسته است. البته در پذیرش روایات تفسیری مکانیزم خاصی از جمله بررسی سند روایت، اعتبار کتاب قابل دقت فراوان است.

۲. با تتبع در متون تفسیری هیچ مفسری در میان فریقین آیات مورد استناد دونالدسن (۵۴ حج) و (۳۱ فرقان) را بر پایه روایات بر مسئله ظهور تأیید ننموده است. هم چنین آیه «أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ» (رعد: ۳۳) در میان متون تفسیری شیعی بر قیام مهدی تاویل نگشته است که گویای عدم دقت وی در نقل آیات و استناد وی

۱. رک: نजारزادگان، تفسیر تطبیقی آیات مهدویت ذیل آیات ۵۵ سوره نور و ۳۳ سوره توبه.

۲. بطن معنای مبطن و پوشیده از مدلول آیات که مراد خداوند هست اما در نظربدوی از مفهوم بسیط از کلام عربی قرآن و یا در رتبه برتر با فراهم بودن مقدمات تفسیر از سطوح ظاهری آیات قرآن، براساس شیوه محاوره عرفی به دست نمی آید.

۳. مانند روایت جابر از امام باقر علیه السلام که می فرماید: ... ای جابر قرآن بطنی دارد و برای بطن آن ظهری است ... (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۷۴) و همچنین ابن مسعود از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند: برای هر آیه ای از آیات قرآن ظهری و بطنی است. (متقی هندی، ج ۱، ۶۲۲)

است. برفرض وجود روایات در ذیل آیات، براساس سطح بطونی آیات پس از بررسی اسناد روایات و اعتبار کتاب می توان آن روایت را پذیرفت.

۳. درباره شبهه قدیمی عدم تصریح اسم ائمه علیهم السلام در قرآن گفتنی است شیوه تبیین معارف قرآن گونه های مختلفی دارد گاهی معرفی افراد با اسم است مانند «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ» (مریم: ۵۶) «وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُوشَعَ وَحُوطًا وَكَالًا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ» (انعام: ۸۶) گاهی معرفی با اوصاف است مانند داستان حضرت سلیمان علیه السلام، که می فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ...»؛ کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت. (نمل: ۴۰) یا درباره آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند: همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند. بنابر تصریح بسیاری از علمای اهل سنت، این آیه درباره امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است. سعدالدین تفتازانی آن گاه که دلالت آیه بر امامت علی علیه السلام را مطابق نظریه شیعه تقریر کرده گفته است: به اتفاق مفسرین این آیه درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است که انگشترش را در حال رکوع به سائل داده است (تفتازانی، ۱۴۰۹: ج ۵، ۲۷۰). همین گونه است کلام مؤلف و شارح المواقف فی علم الکلام. (جرجانی، ۱۴۱۲: ج ۸، ۳۶۰) از این دست توصیفات در قرآن بسیار فراوان است.

در ارتباط با مسئله مهدویت هم با نوع توصیفی روبرو هستیم و آیاتی مانند «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵) و «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳) توصیفی از مسئله مهدویت است که در آن؛ جانشینی و خلافت مستضعفان بر روی زمین و حاکمیت صالحان و نیکان؛ غلبه نهایی حق بر باطل و شکست جبهه کفرو فساد و نفاق؛ گسترش و فراگیری دین حق در برهه ای خاص از زمان که عصر ظهور باشد مدنظر مفسرین قرار گرفته است (نجارزادگان، ۱۳۹۰: ۷۲-۸۶؛ ۱۱۷-۱۳۶).

بنابراین گرچه نام حضرت مهدی علیه السلام در قرآن نیست، ولی صفات و خصوصیات حکومت او در قرآن آمده است. اصولاً قرآن در معرفی افراد، مصالح عالی را در نظر

می‌گیرد. گاهی مصالح ایجاب می‌کند که افراد را با نام معرفی کند و گاهی مصالح ایجاب می‌کند که تنها به صفات افراد بپردازد (کارگر، ۱۳۸۸: ۵۳).

جایگاه حدیث در مباحث مهدویت

یکی دیگر از مسائلی که دونالدسن برپایه آن در صدد تضعیف اصل مسئله مهدویت است ساختگی بودن احادیث مهدی است. به نظر می‌رسد نقل ساختگی بودن روایات در ابتدا ناشی از روشن نبودن زمینه‌ها و سوابق تألیف آثار حدیثی و سپس متأثر از فرضیه‌ها و آرای برخی محققان غربی درباره شکل‌گیری حدیث است.

گلدزیهر در مطالعات خود درباره حدیث و گسترش و تدوین آن، به این نظریه رسیده است که تألیف مجموعه‌های حدیثی (مانند صحیح بخاری) به شیوه علمی یا براساس روش‌های متداول در تألیف کتب صورت نگرفته است؛ بدین معنا که گردآورندگان آنها آثار خود را نه براساس منابع پیشین بلکه از طریق گردآوری روایات شفاهی و کنار هم قرار دادن روایات هم موضوع پدید آورده‌اند. او زمان شروع به نگارش کتب حدیث را سال‌های پایانی قرن دوم و نیمه نخست قرن سوم تخمین می‌زند. هرچند او این دیدگاه را درباره حدیث اهل سنت ارائه می‌کند که نحوه شکل‌گیری آن با حدیث شیعی تفاوت جدی دارد؛ اما دیدگاه او تعمیم داده شده و برخی مانند دونالدسن همین نظر را در قالب ساختگی خواندن روایات مهدویت در قرون بعدی (دونالدسن، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۷) به منابع حدیثی شیعه سرایت داده است.

این در حالی است که جوامع معتبر حدیثی شیعه از روی آثار پیشین نگاشته شده‌اند. تصریح ابن بابویه در آغاز کتاب *من لا یحضره الفقیه* و نیز تعبیرات شیخ طوسی در ابتدای *مشيخه تهذیب الاحکام* و در پایان *استبصار* همگی گویای این است که احادیث این کتاب‌ها از منابع پیشین برگرفته شده است. مرحوم صدوق در این باره می‌گوید:

... و آن چه در این کتاب ذکر شده تمامی مأخوذ و دریافت شده از اصول مشهوریست که همه اعتماد بر آنهاست و احکام (مذهب جعفری) را از آنها باید گرفت. (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۱، ۳)

طوسی در *مشيخه* می‌نویسد:

اینک که به توفیق الهی از تالیف این کتاب تهذیب الاحکام فراغت یافتیم، طرق روایت این اصول و مصنفات را ذکر می‌کنیم و آن را در نهایت اختصار می‌آوریم، به

این هدف که اخبار از حالت مرسل بودن خارج و به مسندات ملحق شوند.
(طوسی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۵)

از این رو نقل احادیث در جوامع شیعی براساس اسلوب خاص و نقل از منابع مکتوب پیش از خود بوده است. و از طرفی دیگر موارد فراوانی وجود دارد که راوی می گوید که از امام سؤالی کرده و امام به او گفته اند بنویس و سپس مطلب را براو املاء کرده اند. این موارد را محققان در پژوهش های خود یاد کرده اند. گزارش سیدبن طاوس در *مهج الدعوات* درباره اصحاب امام کاظم علیه السلام که می گوید آنها الواحی در دست داشتند و به محض آن که درباره یک مسئله فقهی سخن می گفت آن را می نوشتند، در کتاب های حدیث و رجال نقل شده است (ابن طاوس، ۱۴۱۱: ۲۲۰).

در کتاب کشی از عبدالله بن بکیربن اعین روایت شده که وی درباره عموی خود زراره، می گوید که یک بار او بر امام صادق علیه السلام وارد شد مطلبی را پرسید و فوراً الواح خود را گشود تا پاسخ امام را بنویسد (کشی، ۱۴۰۹: ۱۴۳). مقصود از الواح چنان که از قرائن و شواهد مشابیه برمی آید، صحیفه ها و جزوه هایی بوده که در آن می نوشتند. مهم تر از این موارد، نوشته های خود ائمه علیهم السلام است که در اختیار اصحاب قرار می گرفت که به نسخه معروف است. نسخه علی بن سوید السائی از امام کاظم علیه السلام، (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۷۶) نسخه عبدالله بن ابی اویس از امام صادق علیه السلام، (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۲۴) نسخه احمدبن عبدالله بن احمدبن عامر از امام رضا علیه السلام (همو: ۲۲۹) نمونه ای از آن نسخه هاست.

امروزه با آماده شدن برنامه های نرم افزاری کتب حدیث، بهترین زمینه برای منبع یابی کتب های حدیثی یا همان تحلیل فهرستی به وجود آمده است. بنابراین گرایش مستشرقینی مانند دونالدسن که تاریخ اندیشه مهدویت را به دو یست سال بعد از جریان مهدویت محمدبن حنفیه می داند با وجود اشکالات مبنایی مهمی که دارد و از عدم شناخت ماهیت سند و نقش آن در مدارک تاریخی ناشی می شود، یافتن مصادر مکتوب یک کتاب می تواند تاریخ یک اندیشه را سال ها و چه بسا قرن ها جلو ببرد و بر اصالت آن اندیشه مهر تأیید بزند. مسئله مهدویت هم که در منابعی مانند *الکافی* مرحوم کلینی (م ۳۲۹ ق)، *الغیبه* مرحوم نعمانی (م ۳۶۰)، *کمال الدین* مرحوم شیخ صدوق (م ۳۸۱) و *الغیبه* شیخ طوسی (م ۴۶۰) ذکر شده است با توجه به قرائن و شواهدی قابل دست یابی و تحلیل فهرستی است. پژوهش های محمد جواد شبیری زنجانی درباره کتاب *الغیبه* نعمانی و

کمال‌الدین صدوق نمونه‌ای از تحلیل فهرستی است که در خور تقدیر است. در این قسمت جهت استناد دهی به بحث به نمونه‌هایی از تحلیل فهرستی تنها اشاره می‌شود و تفصیل آن مجال دیگری می‌طلبد:

۱. وجود نام مؤلفان کتب در سلسله سند حدیث و هماهنگی موضوع روایت با موضوع کتاب یا کتاب‌های آن مؤلف، می‌تواند دلیلی براخذ روایت از کتاب او باشد. به عنوان نمونه نعمانی روایات متعددی از احمد بن محمد بن سعید ابن عقده کوفی نقل کرده است اما ابن عقده چون کتابی درباره غیبت و مهدویت ندارد که با موضوع روایات هماهنگ باشد بنابراین نعمانی این روایات را از کتب مشایخ ابن عقده اخذ کرده است. به عنوان نمونه:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ ابْنُ عَقْدَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ الْجُعْفِيُّ أَبُو الْحَسَنِ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حمزة عَنْ أَبِيهِ وَوَهَيْبٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۷۸).

در این سند ابوالحسن احمد بن یوسف بن یعقوب جعفی شیخ ابن عقده است که همه روایات او در کتاب الغیبه بدین سند است: اسماعیل بن مهران عن الحسن بن علی بن ابی حمزه، و از این راوی به بعد اسناد روایات او متفاوت است. ابن عقده با توجه به تصریح «کتابه» در سند روایت معلوم می‌شود از کتاب احمد بن یوسف گرفته است و وی هم از حسن بن علی بن ابی حمزه که کتاب‌های الفتن، القائم، الغیبه و الرجعه در موضوع مهدویت داشته (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۶) اخذ کرده است.

۲. تأمل در اسناد مذکور در کتاب‌های فهرست‌نگاری نجاشی و شیخ طوسی، و نیز مشیخه‌های فقیه، تهذیب و استبصار نشان می‌دهد که در سلسله سند منتهی به کتاب نام همگی راویان به تصریح و به طور مشخص آمده و تعبیراتی مانند رفعه، باسناد له، و رجل، بعض رجاله یا عمن ذکره در آنها نیست. حال اگر در روایات این تعبیرات را بیابیم باید یقین کنیم که منبع مکتوب روایت پیش از افرادی که به صورت مبهم از آنها یاد شده پیش از تدوین منبع مکتوب می‌زیسته‌اند. (زنجانی، ۱۴۱۹: ۱۸۹) برای نکتہ باید افزود که قاعدتاً رجال ناشناخته تنها در یک یا چند سند محدود دیده می‌شوند و بنابراین بعید است که در طریق روات کتب باشند. پس اگر در سندی عبارتی مانند بعض رجاله یا عمن رواه ببینیم، می‌توانیم بگوییم که مؤلف منبع مکتوب از کسانی است که نامش در

سلسله سند پیش از این عبارت آمده است. برای نمونه در سند روایتی در الغیبه نعمانی می‌خوانیم «اخبِرنا علی بن احمد بندنيجی، عن عبدالله بن موسى العلوی، عمن رواه، عن جعفر بن یحیی...» طبق قاعده گفته شده منبع مکتوب به دوراوی پیش از عبارت عمن رواه یعنی علی بن احمد بندنيجی، عن عبدالله بن موسى العلوی است (همو: ۱۹۵).

۳. تکرار بخش‌های آغازین سند در گروهی از روایات پی‌درپی و یا تعلیق سند (به اضممار یا به تصریح با ذکر تعبیر بهذا الاسناد در آغاز سند) می‌تواند در کشف منبع مکتوب روایت یاری‌رسان باشد. (همو: ۱۸۹) به عنوان نمونه:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۶۹).

شیخ کلینی این روایت را از طریق دو تن از مشایخ خود - محمد بن یحیی (العطار) و احمد بن ادریس (ابوعلی اشعری) - از محمد بن احمد (بن یحیی) نقل روایت می‌کند که به نظر می‌رسد از کتاب وی اخذ کرده است. آن چه می‌تواند این ادعا را تقویت کند این است که:

شیخ کلینی در کافی از طریق محمد بن یحیی و احمد بن ادریس از محمد بن احمد بن یحیی بیش از ۲۰۰ مورد نقل روایت می‌کند که بیش از ۱۵۰ مورد به تنهایی توسط محمد بن یحیی و ۳۰ مورد به تنهایی از احمد بن ادریس و حدود ۳۰ مورد را به صورت مشترک از هر دو از محمد بن احمد بن یحیی نقل می‌کند یکی از موارد آن روایت فوق می‌باشد. در موارد اشتراکی بعضاً نام هر دو را ذکر می‌کند و در اکثر موارد یا به صورت محمد بن یحیی و غیره ذکر می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۴۰۱؛ ج ۳، ۱، ۴۵ و ۳۸۹؛ ج ۴، ۱۱۸، ۴۱۳، ۴۲۹ و...) و یا با صورت احمد بن ادریس و غیره (همو: ج ۳، ۲۷۵، ۳۸۶، ۵۰۸، ۵۵۲ و ۵۶۹؛ ج ۴، ۲۳ و ۱۱۷) که با قرینه روایات دیگر روشن می‌شود مراد از غیره احمد بن ادریس و یا محمد بن یحیی است.

اتحاد سند تا یک نفر، آن هم به این گستردگی ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که منبع مورد اخذ شیخ کلینی، کتاب محمد بن احمد بن یحیی است که ایشان با واسطه دو نفر از مشایخ جلیل‌القدر خود، از این کتاب نقل کرده است.

در این قسمت با چند نمونه کار حدیثی تا حدی توانستیم منابع حدیثی خود را به

دوران معصوم برسانیم و براصیل بودن اندیشه مهدویت در دوران معصوم تأکید ورزیم و کلام دونالدسن که گویای ساختگی بودن احادیث مهدویت در قرون بعدی است مورد نقد قرار گیرد.

جایگاه کلام ابن خلدون در منظومه فکری اهل سنت

یکی دیگر از ادله‌ای که دونالدسن در جهت خدشه وارد کردن به اصالت مسئله مهدویت بدان استناد جسته است کلام ابن خلدون است. وی با استناد به کلام ابن خلدون - که به انکار مهدویت پرداخته است - اعتقاد دارد تمام اهل سنت به ظهور مهدی اعتقاد ندارند (دونالدسن، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۷).

با بررسی مباحث مهدویت در کتب اهل سنت، منکران مهدویت در مقابل پذیرندگان بسیار اندکند و قوت این آموزه، به اندازه‌ای است که فقط شمار اندکی به انکار آن جرات یافته‌اند که بیشتر آنان نیز در قرون اخیر می‌زیسته‌اند.^۱ از متقدمین می‌توان ابن خلدون را نام برد (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ج ۱، ۶۰۷-۶۳۹). بالتبع وی برخی از اندیشمندان دنیای معاصر مانند رشیدرضا (م ۱۳۵۴ق) (رشیدرضا، بی تا، ج ۹، ۴۸۲، ۴۸۰، ۴۹۹-۵۰۱، ۵۰۴-۵۰۶) احمد امین مصری (۱۳۷۳ق) (احمد امین مصری، بی تا: ج ۲۴۶، ۳-۲۷۳)؛ محمد فرید وجدی (۱۹۵۴م) (محمد فرید وجدی، ج ۱۰، ۴۸۰)، عذاب محمود الحمش (محمود الحمش، ۱۴۲۲: ۵۲۹-۵۳۳)، با تضعیف احادیث به انکار مهدویت پرداخته‌اند. ریشه نقد احادیث هم به عواملی مانند ارزیابی سندی آنها از روایات یا نوعی نگرش روشن فکری است.

آن چه در این زمینه مهم است این که این گروه به شدت مورد انتقاد اهل سنت قرار گرفته‌اند. *ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون* تألیف احمد الصدیق الغماری (م ۱۳۸۰ق) و کتاب *تحذیق النظر فی اخبار الامام المنتظر* نوشته شیخ محمد عبدالعزیز بن مانع (م ۱۳۸۵ق)

۱. درباره اندیشه اهل سنت به مسئله مهدویت با چند گروه روبرو هستیم: گروهی از اهل سنت درباره مسئله مهدویت سکوت کرده‌اند اما سکوت آنان به معنای انکار نیست. متکلمین و برخی از اهل حدیث مانند بخاری و مسلم جزء این دسته‌اند. طیف دوم که شامل اهل حدیث اهل سنت است مسئله مهدی را پذیرفته‌اند اما با رویکرد چهارگانه: ۱. پذیرش اصل مهدی با رویکرد تبدل در مصداق مانند برخی از قیام‌کنندگان مهدوی در اهل سنت مثل قیام محمد بن عبدالله بن تومرت (م ۵۲۴) و مهدی سودانی (م ۱۸۸۵)؛ ۲. پذیرش مهدویت با رویکرد حداقلی مانند اصحاب حدیث سخت‌گیر؛ ۳. پذیرش مهدویت با رویکرد حداکثری مانند اصحاب حدیث سهل‌گیر؛ ۴. پذیرش حداکثری با رویکرد شیعی مانند عرفا و متصوفه از اهل سنت. (رک: مقاله «سبک‌شناسی مواجهه عالمان اهل سنت در تقابل با انحرافات مهدویت»، صفری فروشانی و کامیاب، انتظار موعود، سال هفدهم، پائیز ۱۳۹۶، شماره ۵۸، ص ۹۱-۹۶)

در رد کلام ابن خلدون نگارش یافته است، سید محمد صدیق حسن خان (م ۱۳۰۷) در الإذاعة لما كان وما يكون بين يدي الساعة، محمد بن جعفر کتانی (م ۱۳۴۵ ق) در النظم المتناثر من الحديث المتواتر از دیگر کسانی هستند که فصلی را بر رد ابن خلدون تدوین کرده اند. کتاب المهدی و احمد امین» با نگارش محمد علی زهیری نجفی و کتاب مع الدكتور احمد امین فی حدیث المهدی و المهدویه به نگارش محمد امین زین الدین (م ۱۴۱۹ ق) ردیه هایی است بر احمد امین مصری و همچنین کتاب الی مشیخة الزهر تألیف شیخ عبدالله سبیتی عراقی ردیه دیگری است بر کتاب المهدیه فی الاسلام سعد محمد حسن (م ۱۴۰۸ ق). کتاب الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحه الواردة فی المهدی اثر عبدالمحسن العباد یکی از برجسته ترین آثار این عرصه است که در مقابل کتاب شیخ عبدالله بن زید آل محمود به دفاع از مسئله مهدویت پرداخته است و همچنین کتاب الاحتجاج بالاثر علی من انکر المهدی المنتظر، نوشته شیخ حمود بن عبدالله تویجری، از اساتید دانشگاه اسلامی مدینه، ردیه دیگری است بر عبدالله بن زید آل محمود (ر.ک: فقیه ایمانی، ۱۴۱۸: ۱۴-۱۵).

با این توصیف منکرین در میان اهل سنت چندان جایگاهی ندارند اما به جهت اهمیتی که ابن خلدون در جامعه شناسی و تاریخ دارد و اثر مهم او در جامعه شناسی - مقدمه ابن خلدون - منشاء اثر بوده و در غرب ترجمه شده است، موجب گردیده است تا نظر نادرست او در زمینه مهدویت مورد توجه اسلام شناسان غربی مانند دونالدسن قرار گیرد. آنان در شناخت مسئله مهدویت به جای رجوع به متون اصلی و منابع اولیه به این آثار رجوع کنند؛ در حالی که نباید فراموش نمود که اهمیت اندیشمندی در یک عرصه از علوم، موجب نمی گردد تا سخنان او در دیگر زمینه ها جدی و تخصصی تلقی شود. ابن خلدون از جمله کسانی است که در جامعه شناسی جایگاه خاصی دارد، اما این امر دلیل نمی شود تا سخنان او در زمینه مهدویت موثق و دارای اعتبار باشد.

کیسانیه و مسئله مهدویت

آخرین استناد دونالدسن در تضعیف مسئله مهدویت پیدایش اندیشه مهدویت را با به وجود آمدن ناعدالتی های در حکومت بنی امیه و مسئله شهادت امام حسین علیه السلام و پس از آن یعنی در دوران قیام مختار جست و جوی کند. او معتقد است اصطلاح مهدی برای محمد بن حنفیه به کار رفت و پیروان وی او را مهدی نامیدند و در کوه رضوی منتظر او

هستند. پس از وی اندیشه مهدویت شکل گرفت (دونالدسن، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۷).

آن چه که در این مختصر قابل بررسی است بیان چند نکته است:

۱. عدم توجه وی به منابع حدیثی و بازتاب این آموزه در مجموعه‌ای از روایات منقول از پیامبر ﷺ که صحابی یا تابعین آنان را گزارش داده‌اند.^۱ منشاء این سوء برداشت به انتخاب روش تاریخی نگری وی برمی گردد؛

۲. وجود ناعدالتی‌ها و دشمنی‌های بنی‌امیه با اهل بیت پیامبر ﷺ تنها به عنوان بستروزمینه پیدایش یک آموزه است نه علت به وجود آوردن آن. از این رو گره زدن ناعدالتی‌های دوران بنی‌امیه نمی‌تواند به عنوان علت وجود آمدن اندیشه مهدویت تلقی گردد؛

۳. برخی از گزاره‌های تاریخی از کاربرد مهدویت قبل از جریان مختار و کیسانیه با کارکرد موعودگرایی حکایت دارد. اولین مورد به واقعه رحلت پیامبر اسلام ﷺ مربوط می‌شود که عمر بن خطاب در مورد پیامبر ﷺ آن را به زبان آورد. (بلازی، ۱۹۹۶: ج ۱، ۵۶۶) پس از آن درباره شهادت امام علی علیه السلام این سخن گفته شده که به ابن سبا منسوب است. هر دو این مطالب، اگر درست باشد، صرفاً نظریات شخصی و محدودی بوده است اما این دو به نحوی نشان‌دهنده ریشه‌های وجود و حضور چنین تفکری در مراحل نخستین تاریخ اسلام است. اما در دوران محمد بن حنفیه به شکل منسجم‌تری توسط پیروان وی مطرح گردیده است (بهرامی، ۱۳۹۴: ۲۱۷)؛

۴. طرح این تفکر از جانب این گروه برگرفته از فضای ذهنی آن دوران است زیرا آنان از انتظارات ناظر به مهدی سوء استفاده کردند. کما این که در دوران بعدی مدعیان دیگری مانند نفس زکیه، عباسیان، اسماعیلیه از این اندیشه بهره بردند؛

۵. اختلافات درون فرقه‌ای کیسانیه مانند کربیان،^۲ سراجیان^۳ و هاشمیه^۴ با یکدیگر

۱. کتاب کفایة الاثر علی بن محمد خزازه به عنوان یک منبعی است که به احادیث دوازده امام از طریق صحابی پیامبر ﷺ و ائمه طاهرین علیه السلام اشاره دارد.

۲. ابن کرب ضریر از چهره‌های کیسانی است و پیروان او به کربیه معروف گردیدند. ابن کرب از اعضای اصلی جریان کیسانیه است که پس از مرگ محمد بن حنفیه با انکار مرگ وی او را مهدی دانستند. وی و طرفدان وی معتقد به حیات و مهدویت محمد بن حنفیه بوده‌اند.

۳. حیان سراج از شخصیت‌های معروف کیسانی بوده است. اصحاب او به سراجیه و حیانیه اشتها یافته‌اند. وی در دوران امام صادق علیه السلام می‌زیسته و معتقد به حیات و مهدویت محمد بن حنفیه بوده است.

۴. جریان هاشمیه پس از مرگ محمد بن حنفیه به امامت ابوهاشم فرزند وی اعتقاد پیدا کرد.

پس از وفات محمد بن حنفیه نشانگر سوء استفاده آنان از این آموزه است. زیرا اگر آموزه آنان دارای اصالت بود دچار بحران پراکندگی نمی گردیدند. مهم تر از آن مبارزات ائمه طاهرین علیهم السلام با این فرقه (بهرامی، ۱۳۹۴: ۲۳۳) و زوال آنان در انتهای قرن سوم ساختگی و بی پایه بودن اندیشه آنان را اثبات می کند.

نتیجه گیری

دوائیت م. دونالدسن در کتاب *مذهب شیعه* در فصل بیست و یکم به مباحث مهدویت پرداخته است. به نظر می رسد وی با تبعیت از دیگر مستشرقین قبل از خود، در ابتدای بحث از مهدویت این اندیشه را مورد تردید قرار داده است. و به دنبال آن به داوری درباره مهدویت پرداخته است.

دونالدسون در بخش اصل مسئله مهدویت تحت تأثیر عمیق روش تاریخی نگری^۱ بوده و مسئله مهدویت را بر اساس بسترها و شرایط اجتماعی بررسی نموده است. وی به جای آن که به ناعدالتی های دوران بنی امیه و ظهور کیسانیه اشاره داشته باشد و پیدایش اندیشه مهدویت را با رویدادهای جبری تاریخ و روح دوران گره بزند، باید به مؤلفه های فکری و اعتقادی یک آموزه توجه می کرد. دونالدسن به جای آن که به رد یا اثبات موضوع بپردازد و درباره صدق و کذب آن سخن بگوید یا مهدویت را اختراع مدعیان مهدویت تلقی کند با روش پدیدارشناسی به این موضوع می پرداخت که مهدویت از منظر آموزه های دینی چگونه توصیف شده و نگاه دقیق قرآن و سنت به این مسئله چگونه است. رجوع به منابع دست دوم و پژوهش های مستشرقین قبل از خود از دیگر جنبه های آسیب شناسانه روش پژوهش وی است.

در زمینه آسیب شناسی محتوایی اثر مذهب شیعه تلاش بر این بود که ضمن بررسی کلام دونالدسن به جایگاه قرآن و حدیث در مسئله مهدویت توجه شود. هم چنین نظریه انکار ابن خلدون در میان اهل سنت مورد بررسی قرار گرفت و انتقادهایی اهل سنت به منکرین مهدویت جایگاه آنان را خدشه دار نمود و در پایان ثابت گردید که جریان کیسانیه قدرت تشکیل یک جریان دامنه دار با آموزه های ناب را ندارد.

1. Historicism

در مجموع به این نتیجه دست یافتیم که اندیشه مهدویت آموزه‌ای نیست که بتوان با چند کلمه آن هم به شکل کلی‌گویی در آن خدشه وارد نمود. مهدویت دارای بُن‌مایه‌های اصیلی است که ساخته و پرداخته دوران و جریانات سیاسی نبوده است و روایات مرتبط با آن با رجوع به منابع فریقین از زمان پیامبر اسلام ﷺ بازگوشده است.

منابع

قرآن کریم

- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیة، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، مهج الدعوات و منهج العبادات، محقق: ابوطالب کرمانی محمد حسن محرر، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، پنجم، ۱۳۶۶.
- احمدوند، عباس؛ قزوینی نظم آبادی، محمد، مذهب شیعه (تاریخ اسلام در ایران و عراق)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵.
- امین مصری، احمد، ضحی الاسلام، بیروت، انتشارات دارالکتاب العربی، بیروت، دهم، بی تا.
- آل محمود، عبدالله بن زید، مجموعه رسائل الشیخ عبدالله بن زید آل محمود، ریاض، مکتبه العبیکان، ۱۴۲۳.
- بخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن کثیر الیمامه، ۱۴۰۷.
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تصحیح: سهیل زکار، بی جا، دارالفکر، ۱۹۹۶.
- بهرامی، روح الله، کیسانیه، جریان های فکری و تکاپوی سیاسی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۴ش.
- تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، قم، منشورات رضی، ۱۴۰۹ق.
- جرجانی، میر سید شریف، شرح المواقف، قم، منشورات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
- جعفری، علی اکبر؛ ترابی، عبدالعلی، «دوره های مهدویت پژوهی مستشرقین»، فصل نامه پژوهش های مهدوی، قم، آینده روشن، ۱۳۹۲ش.
- حسین زاده شانه چی، حسن، «معرفی و بررسی اجمالی کتاب عقیده الشیعه»، فصل نامه شیعه شناسی، شماره ۱۸، ۱۳۸۶ش.
- خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الاثر، تصحیح: حسینی کوه کمری، قم، بیدار، ۱۴۰۱.

- رشیدرضا، محمد، *تفسیر المنار*، بیروت، انتشارات دارالمعرفه، بی تا.
- سجستانی، أبوداود سلیمان بن الأشعث، *سنن ابی داود*، محقق: محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت، المكتبة العصرية، بی تا.
- شهبازیان، محمد؛ صفری فروشانی، نعمت الله، بررسی کتاب «نور الانوار» علی اصغر بروجردی در حوزه مهدویت (با تأکید بر نشانه های ظهور)، *انتظار موعود*، شماره ۴۴، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۳.
- صفری فروشانی، نعمت الله؛ اخلاقی، معصومه، «نقد و بررسی زندگی امام حسن علیّه السلام از دیدگاه دونالدسن»، *فصل نامه علمی تخصصی طلوع مهر*، شماره ۳۹، ۱۳۹۱.
- صفری فروشانی، نعمت الله؛ کامیاب، مسلم، *سبک شناسی مواجهه عالمان اهل سنت در تقابل با انحرافات مهدویت*، شماره ۵۸، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
- طوسی، محمد بن الحسن، *تهذیب الأحکام*، محقق، حسن الموسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- العباد، عبدالمحسن بن حمد، *عقده اهل السنه والاثرفی المهدی المنتظر*، ترجمه: سیدهادی خسرو شاهی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- عذاب، محمود الکمش، *المهدی المنتظر فی روایات اهل السنه والشیعه الامامیه، دراسة حدیثیه نقدیه*، اردن، دارالفتح للنشر والتوزیع، اول، ۱۴۲۱.
- فرید حجاب، محمد، *المهدی المنتظر بین العقیده الدینیة والمضمون السیاسی*، الجزائر، نشر موسسی الوطنیه للکتاب، ۱۴۰۴.
- قشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج، *صحیح مسلم*، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- کارگر، رحیم، *مهدویت پیش از ظهور*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)*، محقق: محمد بن الحسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹.
- متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، *کنز العمال*، محقق: بکری حیانی / صفوه السقا، بیروت، مؤسسه الرساله ۱۴۰۱.
- موسوی گیلانی، سیدرضی، *شرق شناسی و مهدویت*، قم، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت

- مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۹۱.
- نجارزادگان، فتح الله، بررسی تطبیقی آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی علیه السلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
- _____، رهیافتی به مکاتب تفسیری، قم، انتشارات دانشکده اصول الدین، ۱۳۸۷.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسين بقم المشرفه، ۱۳۶۵.

